

ادامه از صفحه اول

خطر تزه‌ای ارتجاعی

این هسمان‌سازی موجب شده است تا جریان‌های سیاسی که تاکنون با نفی یکدیگر حیات سیاسی خود را شکوفا می‌کردند، به انفعال سیاسی دچار شوند. این انفعال سیاسی، همه جریان‌های سیاسی بزرگ و کوچک و حتی دولت را واداشته است تا دنبال رهیافتی برای گذر از این کمای سیاسی باشند. اصلاح‌طلبان بیش از دیگران در تکلیو هستند تا اوضاع سیاسی را دوباره به دست گیرند. آنان در یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای خود به‌صراحت بر اصلاح وضعیت موجود اصرار می‌ورزند؛ اما انکار هرچه می‌زنند، به در بسته می‌خورد و چندان مدلی به بازگشت به دوران سیری شده ندارد.

بعید است اصلاح‌طلبان، با اصلاح گفتمان اصلاحات بتوانند خالق سیاست شوند. به نظر می‌رسد یگانه راه پیش‌روی آنان، تغییر در گفتمان اصلاحات است. جامعه چشم‌انتظار تغییراتی اساسی است و بعید نیست مردم جناح‌های سیاسی را به این سمت سوق دهند و اینکه جناح‌های سیاسی چقدر آمادگی پذیرش این تغییرات را دارند محل مناقشه است.

چنین تغییراتی از جریان‌های سیاسی چیزی می‌سازد که با سابقه تاریخی آنان تفاوتی اساسی دارد. اگر زمانی اصلاح‌طلبان از توسعه اقتصادی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به توسعه سیاسی خاتمی رسیدند و از توسعه سیاسی خاتمی به توسعه فرهنگی دور دوم دولت اصلاحات، دولت احمدی‌نژاد با به‌جاگذاشتن انبوهی از مشکلات، آنان را وادار به نرمال‌سازی کرد. اینک شرایط کاملا فرق کرده است؛ چراکه اصلاح‌طلبان با شرایطی روبه‌رو شده‌اند که اصلا انتظارش را نداشتند. تصور بزرگان اصلاح‌طلب این بود که بعد از نرمال‌سازی می‌توان به توسعه سیاسی بازگشت؛ اما این‌گونه نشد و همه‌چیز به دلیل شرایط جهانی- منطقه‌ای به حالت تعلیق درآمد. توسعه سیاسی به محاق رفت و «برجام» که قرار بود توسعه اقتصادی را به ارمغان بیاورد، با شکاف روبه‌رو شد. این تعلیق به بدنه اصلاح‌طلبان نیز رسوخ کرده است. آنان هم دولت‌اند هم داندلوت.

ادامه این تعلیق و ازدست‌دادن کنشگری سیاسی، اصلاح‌طلبان را از پای درخواهد آورد. آنان دیگر نمی‌توانند از تغییرات بنیادین سر باز بزنند و باید با این واقعیت روبه‌رو شوند که برای تغییر باید دایره اصلاح‌طلبی را وسیع‌تر کرد. گرچه آنان هنوز راه چاره را اصلاحات به سبک‌وسایق سابق می‌دانند.

بی‌دلیل نیست که این روزها اغلب تئوریسین‌های اصلاح‌طلب به کنکاش درباره شیوه‌های اصلاح‌طلبی می‌پردازند و هر آنچه می‌گویند، از خودشان شروع و باز به خودشان ختم می‌شود. کیرم که به شدیدترین شکل ممکن از خود نیز انتقاد کنند؛ اما شایعیت سخنان‌شان این است که اگر قرار است تغییری صورت بگیرد، باز به دست اصلاح‌طلبان خواهد بود و بهترین شیوه همان است که بود. البته با تغییرات اندک و گاه بیشتر. ناگفته پیداست لازمه تغییر جدی، مواجهه با امر واقعی است. رودررو ایستادن با آن و نه پناه‌بردن به فانتزی‌هایی که امر واقعی را نادیده می‌گیرند. امروز تئوری‌هایی که اصلاح‌طلبان تبیین می‌کنند، فارغ از درستی یا نادرستی‌شان بیش از هر چیز فانتزی‌سازی‌های تئوریک است برای به‌تأخیرانداختن تغییرات رادیکال. جریانات سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا با سیاست، برخوردی کالایی دارند؛ سیاستی را تولید می‌کنند که خود مصرف‌کننده آن هستند. همان‌گونه که شرکت‌های اقتصادی و مصرف‌کنندگان سوره فعالیت اقتصادی‌اند، اصلاح‌طلبان بیش از جناح‌های دیگر تولیدکننده و مصرف‌کننده سیاست شده‌اند و اگر بخواهند از این دور تسلسل خارج شوند، باید با مقولات جدی و بنیادین اصلاح‌طلبی برخوردی جسورانه و واقع‌بینانه‌تر داشته باشند.

نوبت اول

به اطلاع می‌رساند اینجانب نسرین کیهان اصالتاً و کالتاً از طرف وراث مرحوم مسعود کیهان، مالکین چهار سهم مشاع از نه سهم مشاع، شش دانگ مزرعه بستان معروف به مطلب زمین به پلاک ثبتی ۱۳۲ اصلی واقع در رودهن. موضوع سند مالکیت شماره ۲۵۴۱۶ صادره در تاریخ ۷/۲۵/۱۳۴۴ امتقاضی تعیین بستر و حریم نهر در داخل و مجاورت پلاک ثبتی فوق‌الذکر می‌باشم و حسب اعلام امور آب دماوند بر اساس ضوابط و مقررات جاری تعیین بستر و حریم منوط به مراجعه کلیه مالکین مشاعی به امور آب و تکمیل پرونده می‌باشد. لذا از کلیه مالکین مشاعی تقاضا می‌شود با در دست داشتن مدارک مالکیت خود ظرف مهلت ده روز از تاریخ انتشار آگهی به امور آب دماوند به نشانی گیلوند، بلوار آیت اله خامنه‌ای مراجعه نمایند. بدیهی است عدم مراجعه مالکین مشاعی ظرف مهلت مقرر فوق، نافی اقدامات شرکت آب منطقه ای تهران، امور آب دماوند نبوده و بستر حریم اعلامی برای کلیه مالکین مشاعی لازم‌الرعایه می‌باشد.

نسرین کیهان

محمد مساعد؛ شاید باورش سخت باشد، اما تازه ۱۰ سال است در ایران حقوق کارکنان مزدبگیر بیت‌المال مستقیماً از خزانه‌داری کشور پرداخت می‌شود و احتمال ارائه اطلاعات غلط درباره تعداد کارکنان دستگاه‌های بودجه‌بگیر کاهش یافته است.
باین‌حال هنوز تا مرحله‌ای که بتوان گفت حقوق و دستمزدهای پرداخت‌شده از خزانه کشور «شفاف» است، فاصله‌ای بسیار وجود دارد. در این بین، اقدام جدید دولت برای راه‌اندازی سامانه‌ای که حقوق و دستمزدهای پرداختی از سوی دولت هر ماه در آن ثبت و ضبط شود، قدم کوچکی در این راه پرییچ‌وخم است. سامانه‌ای که به سامانه اعلام دریافتی مدیران مشهور شده، اما آنچنان که جمشید انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور، می‌گوید تمام پرداختی به همه حقوق‌بگیران را شامل می‌شود و البته طبق قانون، قسمتی از اطلاعات که مربوط به دریافتی مدیران است، به اطلاع عموم خواهد رسید.
همین اعلام دریافتی‌های مدیران است که سامانه حقوق و دستمزد را به مسئله‌ای سیاسی تبدیل کرده و شروع به کار آن را به هزاران اما و اگر گره زده است. از یک سو رقبای سیاسی دولت منتظرند با انتشار حقوق مدیران، حمله تازه‌ای را به دولت آغاز کنند و از دیگر سو، دولت در تلاش است اطلاعات همه دستگاه‌های وابسته به بودجه عمومی کشور و نه فقط دستگاه‌های اجرائی دولت را در این سامانه جمع‌آوری کند. به همین دلیل است که معاون رئیس‌جمهور می‌گوید اگر دستگاه‌های خارج از دولت حاضر به همکاری با این سامانه نشوند، ممکن است برای انتشار عمومی این اطلاعات تصمیم دیگری گرفته شود. به عبارت ساده‌تر، به نظر می‌رسد دولت هم می‌خواهد قانون را اجرا کند و هم دیگر قوا و دستگاه‌های مستقل عمومی را وارد زمین شفافیت کند؛ حتی اگر به قیمت قطع پرداختی‌های این دستگاه‌ها تا اتصالشان به سامانه حقوق و دستمزد باشد.

حقوق می‌دانیم که در اجرای ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه، فرصتی چندروزه به دستگاه‌ها و سازمان‌ها داده‌اید تا نمایندگان خود را برای عضویت در سامانه حقوق و دستمزد معرفی کنند. احتمالاً بخشی از جامعه بدش نمی‌آید از این اطلاعات آگاه شود و بداند مدیران چقدر حقوق و مزایا می‌گیرند. درحال حاضر این سامانه چه وضعیتی دارد؟

سامانه حقوق و مزایا که در ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه بر ضرورت تدوین و استقرار آن تاکید شده است، کارکردهای مختلفی دارد که یکی از آنها دسترسی عموم مردم به اطلاعات حقوق و دستمزد مدیران است. این سامانه تنها محدود به اطلاعات دریافتی مدیران نیست، بلکه سامانه حقوق و مزایای کل حقوق‌بگیران از بودجه عمومی است. در واقع این سامانه برای استفاده سازمان امور اداری و استخدامی کشور، سازمان برنامه‌وبودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی طراحی شده است تا اطلاعات به‌روز و دقیقی از پرداختی‌های دستگاه‌ها و سازمان‌ها داشته باشند و دستگاه‌های نظارتی مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور نیز بتوانند بر آن نظارت کنند. طبعاً تکلیفی در قانون برای دستگاه‌ها پیش‌بینی شده که پرداخت‌های مدیران را در سامانه خود در معرض دید عموم قرار دهند و در نتیجه سامانه‌ای که از طرف سازمان اداری و استخدامی طراحی و راهبری می‌شود، در بخش سازمان اداری و استخدامی کشور امکان دسترسی برای عموم نخواهد داشت. هر دستگاهی که اطلاعات پرداختی‌های خود را در سامانه حقوق و دستمزد وارد می‌کند، اطلاعات مدیرانش را در سایت خود در دسترس می‌گذارد. درحال حاضر نیز به دستگاه‌ها پیشنهاد شده است که برای دریافت نام کاربری و گذرواژه برای دسترسی و استقرار سامانه، به سازمان امور استخدامی مراجعه و اطلاعات دستگاه خود را در آن بارگذاری کنند. این کار مقداری زمان می‌برد و تا تصور می‌کنیم پرداختی‌های فردرودین واردیهیت در ابتدای خرداد در سامانه ثبت شوند. پس از آن، ما سامانه را چک خواهیم کرد و اشکالات فنی و امنیت سیستم احتمالی آن را رفع می‌کنیم. پس از آن، هیئت وزیران تصمیم می‌گیرد نحوه دسترسی دستگاه‌های نظارتی و همچنین آنچه قانون‌گذار برای ارائه این اطلاعات به عموم مردم تکلیف کرده است، چگونه باشد.

آ چه اطلاعاتی و تا چه سطحی از مدیران ممکن است در اختیار مردم قرار بگیرد؟

همان‌طور که قانون‌گذار گفته، اطلاعات کلیه دریافتی‌های مدیران و مقامات باید به اطلاع عموم برسد. همین کلمه مدیران هم البته بایزمند تعریف است. ممکن است منظور از مدیران، مدیران کل به بالا باشد یا همه مدیران، مانند رؤسای جزء ادارات یا رؤسای گروه‌های کارشناسی هم شامل آن می‌شوند. این تعریفی است که در تصویب‌نامه هیئت وزیران مشخص خواهد شد. پس از آن دستگاه‌ها این اطلاعات را در اختیار عموم قرار خواهند داد و کلیه پرداخت‌هایی که

اقتصاد

معاون رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با «شرق» از راهکار دولت برای اجرائی کردن قانون شفافیت پرداخت‌ها می‌گوید

تهدید به قطع حقوق مدیران متخلف



عسکری، آئین‌پن رهبر

در ماده (۲۹) تصریح شده است به صورت یک فیش واحد در پایان هر ماه در سامانه درج خواهد شد تا جمع پرداختی‌ها را مشخص کند.

آ چند دستگاه تا این لحظه مراجعه کرده و فعال شده‌اند؟

دستگاه‌های اصلی در دولت همگی گذرواژه و پس‌ورد را دریافت کرده‌اند. از آن جهت که این دستگاه‌ها علاوه بر ارائه اطلاعات، وظیفه آموزش و توجیه دستگاه‌های زیرمجموعه خود را هم دارند. البته ماده ۲۹ به قوه مجریه منحصر نیست. مثلاً مجلس شورای اسلامی باید اطلاعات پرداختی نمایندگان و مدیران اجرائی مجلس را منتشر کند. قوه قضائیه هم باید مستقلاً این کار را انجام دهد. چراکه این مسئله در قانون، متمرکز دیده نشده است. ما به قوه قضائیه، قوه مقننه و دفتر مقام معظم رهبری نامه نوشته‌ایم و مقدمات را فراهم کرده‌ایم.

آ تجربه‌ای که در گذشته در سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات وجود داشت این‌س بود که اکثر دستگاه‌های اجرائی تحت نظر قوه مجریه به سامانه اضافه شدند اما دیگر دستگاه‌ها چندان فعال نبودند. در سامانه حقوق و دستمزد هم همین وضعیت حاکم است یا این‌بار قوای دیگر فعالانه‌تر مشارکت کرده‌اند؟

در فروردین ماه، ما برای ۱۵ دستگاه به صورت آزمایشی این طرح را اجرا کردیم. در این اجرای آزمایشی سعی کردیم این ۱۵ دستگاه از همه بخش‌ها باشد. این مرحله یکی از بنیادهای تحت پوشش مقام معظم رهبری، یک دستگاه از قوه قضائیه، یک دستگاه وابسته به قوه مقننه و چند دستگاه مختلف از قوه

مجریه را شامل می‌شدند. در این اجرای آزمایشی هر ۱۵ دستگاه آمدند و همکاری کردند. قطعاً امیدواریم که در مرحله اجرای قطعی هم همین‌طور باشد چراکه بالاخره این حکم قانون است. البته ما در گزارش‌های که به هیئت دولت خواهیم داد، نوع همکاری دستگاه‌ها و سازمان‌ها به این کار کرد، دستگاه‌هایی که در قوای دیگر هستند را اطلاع خواهیم داد. برای مثال نمی‌شود قوه مقننه که خودش این قانون را نوشته است، نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و اطلاعات حقوق و دستمزد دریافتی نمایندگان و مدیران مجلس را اعلام نکند. وظیفه ما طراحی این سامانه بود و دستگاه‌ها در مقابل قانون راساً مسئول هستند.

آ در چند ماه گذشته فشارهایی از طرف برخی از رسانه‌های خاص وجود داشت که چرا مدیران دولت دریافتی‌های خود را اعلام نمی‌کنند. از آنجا که قانون همه دستگاه‌ها و سازمان‌ها موظف است که این شائبه پیش آمد که ممکن است رقبای سیاسی دولت نگاه همه‌جانبه به این سامانه نداشته باشند و تنها منتظر اعلام دریافتی دولتی‌ها هستند تا از آن به‌عنوان ابزاری سیاسی استفاده کنند. به همین دلیل تاکید دارم که واضع‌تر بیرسم دستگاه‌های غیردولتی و قوای دیگر تا چه حد با این سامانه همکاری کرده‌اند؟

دولت ممکن است در تصمیمی که برای اطلاع‌رسانی حقوق و مزایای خود در این سامانه اتخاذ می‌کند، به نحوه مشارکت قوای دیگر توجه کند و زمانی دسترسی عمومی فراهم شود که همه دستگاه‌های مخاطب قانون به این تکلیف عمل کنند. البته این تصمیم بر عهده دولت است و امیدواریم همه قوا و نهادهای همکاری کنند تا این کار به نحو مطلوب انجام شود.

آ یعنی اگر آنها مشارکت پایینی داشته باشند، ممکن است این اطلاعات در اختیار عموم قرار نگیرد؟

دولت نمی‌تواند قانون را اجرا کند ولی به دنبال این خواهد بود که همه، قانون را به صورت کامل اجرا کنند. ولی ممکن است دسترسی عموم به این اطلاعات زمانی انجام شود که همه دستگاه‌ها این همکاری را انجام داده باشند.

آ چه اطعانه‌ای وجود دارد که اطلاعات واردشده توسط دستگاه‌ها صحت داشته باشد؟

مسئولیت صحت اطلاعات برعهده مسئولان دستگاه و ذی‌حسابان دستگاه‌هاست، چون پرداخت‌ها از طریق ذی‌حسابان انجام می‌گیرد. ما در نظام اداری کشور ناچاریم به سیستم خود اعتماد کنیم، مگر آنکه خلافش ثابت شود. دستگاه‌های نظارتی مانند دیوان محاسبات هم به فاصله یکی، دو ماه اسناد پرداختی

که همیشه ما به آن نیاز داریم این است که در چه ماه‌هایی هر دستگاه چه میزان از هزینه‌های پرسنلی‌اش را پرداخت می‌کند و بنابر آن تخصیص لازم را انجام دهیم. پیش از این ما بنا بر اعلام خود دستگاه‌ها این کار را انجام می‌دادیم و از طریق گزارش‌گیری دستی ذی‌حسابان کارها انجام می‌شد، ولی حالا دستگاه‌های درگیر می‌توانند با این سامانه در جریان گزارش‌های به‌روز هر دستگاه باشند. البته طبیعی است که خود این کارکردها هم به مرور کارآمد شوند.

آ یکنی، دو سؤال هم درباره وضعیت استخدام‌های دولت داریم. در دولت یازدهم و دوازدهم چند نفر توسط دولت استخدام شده‌اند؟ از آنجا که سیاست دولت و مجلس کوچک‌سازی دولت است، هدف و جهت‌گیری ما کم‌کردن از حجم نیروی انسانی دولت است. البته از این جهت که بالاخره بخشی از نیروی انسانی دولت در پایان خدمشان بازنشسته می‌شوند، ما باید در سطح حداقل نیازهای دولت، نیروهایی را جایگزین کنیم. گاهی هم می‌بینیم که خدمات دولت توسعه پیدا می‌کند و نیازمند تأمین نیرو هستیم. من یک بار محاسبه می‌کردم؛ ما از سال ۱۳۷۷ سیاست کوچک‌سازی دولت را دنبال کرده‌ایم، در آن سال جمعیت کشور حدود ۶۰ میلیون نفر بوده است و دومیلیون و ۴۰۰ هزار نفر کارمند دولت داشته‌ایم. امروز به جمعیت کشور ۲۰ میلیون نفر اضافه شده است یعنی به تعداد متقاضیان دریافت خدمات از دولت اضافه شده است. همان‌طور که می‌دانید در برخی بخش‌ها، تعداد نیروی دولت متناسب با جمعیت است. وقتی می‌خواهیم بیمارستانی را تجهیز کنیم یا مدرسه‌ای بسازیم، متناسب با جمعیت این اتفاق می‌افتد و طبیعی است که همه اینها به نیروی انسانی نیاز دارند. در کنار آن توسعه تشکیلات سیاسی نیز اتفاق افتاده است. شهرستان‌های جدیدی به وجود آمده‌اند و از ۲۲۰ فرمانداری کشور در سال ۷۶ ام‌روز به ۴۳۰ فرمانداری رسیده‌ایم. هر کدام از این شهرستان‌های جدید که ایجاد شده‌اند، شبکه‌ای از نظام اداری در آنها شکل گرفته‌اند که نیاز به نیروی اداری داشته‌اند. باین‌حال امروز نزدیک به دومیلیون و ۳۲۰ هزار نفر کارمند دولت داریم. یعنی نواسته‌ایم تمام این توسعه‌ها را بدون افزایش حجم دولت انجام دهیم. البته می‌توانستیم کمتر از این هم داشته باشیم. اقداماتی مانند واگذاری شرکت‌های دولتی انجام شد که حجم زیادی از نیروی کار دولت از این چرخه خارج شدند اما در مقابل در برخی دوره‌ها بی‌محایا استخدام انجام شد. در مجموع با

نگاهی به عملکرد ۲۰ساله می‌توانیم بگوییم حجم دولت کنترل شده است و امروز هم تنها به نسبت تعدادی از نیروهای خروجی، نیروی کار وارد دولت می‌شود. قانون به ما اجازه داده است که یک‌سوم خروجی را با نیروی ورودی جایگزین کنیم و با این ابزار ورودی دولت را کنترل کنیم. البته بعضی از دستگاه‌ها مانند آموزش‌وپرورش از این مسئله مستثنا است. دومیلیون و ۳۰۰ هزار نفر کارمند دولت را در نظر بگیرید که قرار است ۳۰ سال خدمت کنند، ما به شکل متوسط هر سال ۸۰ تا ۹۰ هزار نفر خروجی داریم و حدود یک‌سوم این تعداد را هم جذب می‌کنیم. در واقع ما در حد همان ۳۰ هزار نفر را در سال جذب می‌کنیم. البته حاکمیت فزاتر از دولت است. در قوه قضائیه، نیروهای مسلح، در دستگاه‌های عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها و مانند آن هم استخدام داریم که ممکن است ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر هم از این طریق استخدام شوند. در سال‌های گذشته هم همین‌طور بوده است. از ابتدای سال ۹۳ تا پایان سال ۹۶ در حدود ۱۲۰ هزار نفر جذب دولت شده‌اند. هفته گذشته هم یک آگهی دادیم که حدود ۱۸ هزار نفر را استخدام کنیم. فکر می‌کنیم در نوبت دومی هم که در پاییز استخدام می‌کنیم، حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر را جذب کنیم. بنابر این امسال هم همین حدود خواهد بود.

آ چند نفر به دلیل واگذاری‌ها و در واقع خصوصی‌سازی از دولت خارج شده‌اند؟

اگر جمع نیروی کاری که در دستگاه‌های واگذارشده مشغول به کار بوده‌اند را در نظر بگیریم، چیزی حدود ۱۲۰ هزار نفر هستند. ولی بعضی از اینها می‌توانستند بنا بر قوانین خاصی در دولت بمانند و بنابراین حدود ۱۱۰ هزار نفر در جریان خصوصی‌سازی از دولت خارج شده‌اند. عمده آن هم بانک‌ها، مخابرات و بیمه‌ها بودند.

آ سؤال آخر اینکه گفتید در دوره‌ای بی‌محایا استخدام‌هایی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد بخشی از اینها مربوط به دولت‌های نهم و دهم باشد. دراین‌باره توضیح می‌دهید؟

بالاخره در برخی دوره‌ها به سیاست کوچک‌سازی دولت توجه نشده است. در دولت نهم، میزان قابل‌توجهی خروجی نیروی کار از دولت اتفاق افتاد. همان‌طور که گفتیم نزدیک به ۱۴۰ هزار نفر در جریان خصوصی‌سازی از بدنه دولت جدا شدند و همچنین در سال‌های ۸۶ تا ۸۹ با طرح بازنشستگی زودهنگام ۱۰۶ هزار نفر پیش از موعد بازنشسته شدند. درواقع چیزی حدود ۲۵۰ هزار نفر از این طریق از دولت خارج شده‌اند. در مقابل می‌بینیم که در سال ۱۳۹۰ نیروی انسانی دولت دومیلیون و ۵۰ هزار نفر بود و در پایان سال ۹۲ این تعداد به دومیلیون و ۳۸۰ هزار نفر رسیده بود. اگر این تعداد را با تعداد خروجی‌ها مقایسه کنیم، می‌بینیم که بطور و به چه میزان به حجم دولت در دولت دهم افزوده شده است.

خبر

وزیر نیرواز ۷ طرح مهم آبی استان تهران بازدیدوبخشی از آنها را افتتاح کرد

بهبود کیفیت آب استان تهران باراه‌اندازی طرح‌های آبی

● **شرق**؛ تأمین آب باکیفیت برای کلان‌شهری نظیر تهران و شهرهای اطراف آن کار بسیار دشواری است. مهاجریزیبودن استان تهران، نبود سیستم تصفیه فاضلاب و تعداد زیاد چاه‌های جذبی همچنین جمعیت بالای استان، آن را با بحران کیفیت آب روبه‌رو کرده است. هفت طرحی که وزیر نیرو روز پنجشنبه از آنها بازدید کرد و بخشی از آنها شامل مرکز پایش و راهبری تأسیسات آب و فاضلاب استان تهران بود و عملیات اجرایی فاز دوم تصفیه‌خانه شهر پردیس را افتتاح کرد، زمینه بهبود کیفیت آب شرب برای کلان‌شهر تهران و دیگر شهرهای استان را فراهم می‌کند. وزیر نیرو روز پنجشنبه از هفت طرح مهم آبی در شهرستان‌های ورامین، قرچک، پیشوا، پاکدشت، پردیس و فیروزکوه با ارزشی بالغ بر هزارو ۴۰۰ میلیارد تومان بازدید کرد. بخشی از این طرح‌ها در روز پنجشنبه افتتاح شد و عملیات مابقی پروژه‌ها نیز در حال انجام است. وزیر نیرو در جریان این بازدیدها، مدیریت تقاضا و بهینه‌سازی مصرف را عرصه پرچالشی توصیف کرد و گفت: کنترل تمام آب‌های موجود و در دسترس کشور در قالب سدها، شبکه‌های انتقال و تصفیه‌خانه‌ها کار بسیار بزرگی است اما دستاورد بزرگ‌تر این است که در بخش‌های مختلف مصرف آب از جمله کشاورزی، صنعت و شرب بتوانیم برخورد و تعامل نزدیکی با مصرف‌کننده‌های آب داشته باشیم و بر چگونگی مصرف آب اثرگذار باشیم.



به گفته محمد پرورش مدیرعامل آبفای تهران با بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی شرکت آب و فاضلاب استان تهران در شرق و جنوب شرقی این استان، علاوه بر ارتقای کمی و کیفی تأمین آب و جمع‌آوری فاضلاب، گام بلندی در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار برداشته شده است. وزیر نیرو روز پنجشنبه عملیات اجرایی فاز دوم تصفیه‌خانه هفتم تهران را افتتاح کرد. فاز نخست تصفیه‌خانه هفتم تهران دو سال قبل با حضور رئیس‌جمهوری افتتاح شد که به دنبال آن بلافاصله عملیات اجرایی فاز دوم آن نیز آغاز شد. پیش‌بینی شده است که ۵۵ میلیارد تومان برای اتمام این پروژه نیاز باشد. در صورت تأمین این اعتبار، مدول دوم نیز تا آینده به بهره‌برداری می‌رسد. مخزن ۱۵هزارمترمکعبی شهرستان پاکدشت پروژه دیگری بود که ساخت آن با اعتباری معادل ۹ میلیارد تومان انجام و توسط وزیر نیرو افتتاح شد. به گفته مدیرعامل آب و آبفای استان تهران افتتاح این مخزن در بهبود کیفیت آب هشت هزار واحد مسکن مهر واقع در پاکدشت نقش مهمی دارد.

آبرسانی به روستاهای استان تهران

پروژه بهره‌برداری از خط انتقال و خطوط اصلی شهر قرچک با اعتباری بالغ بر ۲۵ میلیارد تومان نیز روز پنجشنبه توسط وزیر نیرو افتتاح شد. این پروژه علاوه بر تأمین نیاز آبی شهر قرچک، زمینه آبرسانی به پنج روستای قشلاق، فردیس، محمدآباد، امین‌آباد و ولی‌آباد ورامین را فراهم می‌کند. این پروژه شامل ۱۲ کیلومتر خط انتقال به قطر ۹۰۰ میلی‌تر با هدف تأمین شش میلیون مترمکعب آب سطحی از تصفیه‌خانه هفتم تهران به صورت سالانه برای مناطق هدف است.

پروژه دیگری که وزیر نیرو آن را افتتاح کرد، بهره‌برداری از خط انتقال و خطوط اصلی توزیع آب شرب شهر ورامین بود که از سال ۱۳۹۵ آغاز شده است و شامل ۱۴ کیلومتر خط انتقال و خطوط اصلی توزیع در قطره‌های ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلی‌تر است. روز پنجشنبه طرح اصلاح و توزیع شبکه و حفر و تجهیز چاه‌های آب شرب در شهرستان‌های پیشوا، ورامین، پاکدشت و قرچک با هزینه‌ای بیش از ۵۲ میلیارد تومان توسط وزیر نیرو به بهره‌برداری رسید. این پروژه با هدف کاهش هدررفت آب اجرا شد. برای آبرسانی به این شهرها ۳۲ حلقه چاه حفر و تجهیز شده و با بهره‌برداری از خطوط انتقال و چاه‌ها ۷۰۰ لیتر بر ثانیه بر ظرفیت تأمین آب در این شهرستان‌ها اضافه خواهد شد. شهرستان پاکدشت از جمله شهرستان‌هایی بود که به دلیل ساختار زمین‌شناسی خود با مشکلات عدیده‌ای در زمینه دفع بهداشتی فاضلاب مواجه بود. عملیات اجرایی طرح فاضلاب پاکدشت که از سال ۷۷ بودی خورده بود، مدت‌های زیادی مسکوت مانده که سال گذشته وزارت نیرو توانست با دریافت اعتبار از سازمان برنامه و بودجه، بار دیگر این پروژه را فعال کند. در این طرح که شامل ۴۶ کیلومتر شبکه جمع‌آوری فاضلاب و ۹ کیلومتر خط انتقال فاضلاب است، تصفیه‌خانه‌ای در دو مدول و در مجموع با ظرفیت ۸۸ هزار مترمکعب در شیان‌روز احداث می‌شود. وزیر نیرو روز پنجشنبه از این طرح بازدید کرد.